

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عملکرد معصومین در مقابل مدعیان دورغین امامت

فاطمه ذاکری<sup>۱</sup>،<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - طلبه، سطح دو حضرت آمنه سلام الله علیها، قم.

<sup>۲</sup> - Goleyas0027@gmail.com

## چکیده

یکی از آسیب‌های جوامع دینی، ظهور مدعیان دروغینی است که به علل گوناگون فرهنگی اجتماعی در جامعه به وجود آمدند و با سوء استفاده از احساسات در پی ایجاد موقعیتی برای خود بودند.

شیعیان در عصر حضور با این پدیده روبرو بودند و امامان معصوم علیهم السلام با عملکردهای مختلف فرهنگی - اجتماعی به مقابله با مدعیان دروغین امامت و مهدویت می‌پرداختند.

عوامل گوناگونی در گرایش مردم به مدعیان دروغین دخیل هستند، از جمله آن؛ غفلت، حس کنجکاوی، عناد های شخصی، میل به متفاوت بودن، ناآگاهی از مبانی و آموزه های دینی و دوری از روایت معصومین علیهم السلام است. مدعیان دروغینی که در زمان حضور معصومین علیه السلام به وجود آمدند به فرقه های گوناگونی تقسیم می شوند. این مقاله پس از بررسی علل پیدایش و گرایش مردم به مدعیان دروغین و مشخص کردن فرقه های به وجود آمده از این ادعاها به بیان عملکردهای فرهنگی - اجتماعی معصومین علیهم السلام در مقابله با این مدعیان پرداخته است که این اقدامات شامل شش محور اصلی؛ بیان نقاط مهم و کاربردی در آموزه امامت و مهدویت برای جلوگیری از انحراف، تبارشناسی مهدی موعود، از بین بردن دست آویز مدعیان و پیش بینی ادعای مدعیان از بین بردن شک و تردید در امر امامت و تلاش برای هدایت و اتمام حجت با مدعیان، ساماندهی رفتار اجتماعی شیعیان در قبال ادعاهای دروغین، اعلام انزجار از مدعیان دروغین و برخورد قاطع با آنها بوده است.

کلید واژه ها: معصومین علیهم السلام، عملکرد، مدعیان دروغین

## مقدمه

در این مقاله به بررسی عملکرد معصومین علیه السلام در مقابله با مدعیان دروغین پرداخته می شود و بدین منظور این پژوهش در چهار بخش علل پیدایش مردم به مدعیان دروغین ، علل گرایش مردم به مدعیان دروغین ، مدعیان امامت و کارکردهای فرهنگی- اجتماعی معصومین علیهم السلام در مقابله با مدعیان دروغین تنظیم شده است . این مقاله از حیث پردازش اطلاعات ، توصیفی- تحلیلی نوشته شده است.

مسئله مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از باورهای اصیل در فرهنگ دینی شیعیان است تا جایی که در روایات معصومین علیهم السلام انتظار فرج ، و ظهور حضرت حجت ( عج ) بهترین اعمال دانسته شده است و مردم را علاوه بر ترغیب به انتظار فرج به پرهیز از شتاب و تعجیل در این امر دعوت کرد کرده اند. در این میان مدعیان دروغین مهدویت با سوء استفاده از فرهنگ مهدی خواهی مسلمانان ، سعی در ارائه نسخه جعلی از مهدویت و امامت داشته اند و از قضا در طول تاریخ مشاهده شده است . لازم به ذکر است که مدعیان در زمان حضور معصومین علیهم السلام به وجود آمده اند و در اغلب موارد خود شخصی ادعای امامت و مهدویت نکرده ، اما پیروان آن این جایگاه را برای آنها قائل شدند و ما در این پژوهش از معنای عام امامت که شامل مهدویت نیز می شود به منظور رسیدن به هدف مورد نظر استفاده کرده ایم.

در دوران معاصر نیز مدعیانی پا به عرصه ظهور گذاشته اند که این ادعا سیر صعودی پیدا کرده و از تشریف آغاز شده و به مهدی موعود بودن ختم می شود و این جریان باعث انحراف خیل عظیمی از افراد شده است. با توجه به این اهمیت بازشناسی عملکرد معصومین علیهم السلام در مقابله با مدعیان دروغین امامت و مهدویت در عصر حضور نقشه راهی برای جامعه شیعی در عصر حاضر برای مقابله با مدعیان دروغین مهدویت می باشد . در این عصر که موضوع مدعیان دروغین با اهمیت و ضرورتی فزاینده مورد توجه قرار گرفته است ، همگام با توسعه تحلیل ها پیرامون این موضوع ، نگرش تاریخی به مدعیان دروغین نیز گسترش یافته است.

آنچه در این پژوهش ها کمتر مورد کاوش قرار گرفته ، باز ترسیم شیوه مواجهه عملکرد ائمه علیهم السلام در مقابله با مدعیان دروغین است که به نظر می‌رسد در یک رویکرد به مدعیان اثرگذار باشد . برای نمونه بعضی از کتاب ها و مقالات که در این زمینه نوشته شده اند است عبارتند از :

مقاله روش برخورد امامان معصوم با مدعیان دروغین در جامعه شیعه به نویسندگی محسن ابنیائی که در فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام سال پانزدهم ، شماره دوم ، تابستان ۱۳۹۳ ، با شماره مسلسل ۵۸ به چاپ رسیده است ، به شیوه روش های امامان معصوم علیهم السلام با مدعیان دروغین پرداخته است .

کتاب مهدیان دروغین به نویسندگی رسول جعفریان که انتشارات علم در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است ، مدعیان دروغین را به مثابه یک پدیده تاریخی مورد کاوش قرار داده و درصدد ذکر شماری از مدعیان می باشد.

کتاب دکان های کاغذی به نویسندگی علی محمدی هوشیار که انتشارات مسجد مقدس جمکران در چاپ اول سال ۱۳۹۶ به چاپ رسانده است ، جریان شناسی مدعیان مهدویت را مورد بررسی قرار داده است .

مقاله متمهدیان و مدعیان مهدویت نویسنده محمدرضا منصوری که مجله انتظار ، ش ۸ ، ۹ در تابستان و پاییز ۱۳۸۲ را به چاپ رسانده نگاهی به تاریخی دعاوی و نسبت‌های دروغین مدعیان مهدویت کرده است.

از جمله اهداف این پژوهش، باز شناسی مدخلی نوین در واکاوی و کاوش پیرامون مدعیان دروغین امامت و مهدویت است . بدیهی است که مدعیان دروغین را از زوایای گوناگون می توان به بحث گذاشت ، اما تحقیق حاضر با کنار هم قرار دادن بیان علت پیدایش و گرایش مردم به مدعیان دروغین و جمع‌آوری فرقه‌های مدعی امامت و مهدویت در عصر ائمه علیهم السلام به چگونگی عملکرد فرهنگی اجتماعی معصومین علیهم السلام در مقابله با مدعیان دروغین بپردازد ، که به نوعی منعکس کننده جلوه‌های مدیریت اسلامی در مواجهه با بحران‌ها ست که انتظار می رود با جستجو در این شیوه عملکرد فرهنگی و اجتماعی به برآمدن و برگرفتن مبانی ، مبادی ، روش ها و پاسخ های فرهنگی و اجتماعی از متن معارف نظری و تفکر اسلامی و خوانش

مبسوط و ساختار مندی از سبک تقابل ائمه علیهم السلام با مدعیان دروغین در چارچوب مطرح شده منجر شود.

## مفهوم شناسی

لازمه جریان شناسی یک مسئله، آشنایی ابتدایی با مفاهیم و کلیات آن است تا بتوان، پیش فرض مشخصی را مطالعه کرد. بنابراین با توجه به مسئله مورد نظر این مقاله، مولفه هایی همانند مدعیان دروغین، امامت و مهدویت تعریف خواهد شد.

### ۱- مدعیان دروغین

مدعی بنا به تعریف برخی عبارت است از کسی که اگر از ادعای خود صرف نظر کند، کسی با او کاری ندارد و دعوا کان لم یکن تلقی می‌گردد، و او کسی است که گفته اش خلاف اصل است و یا کسی است که ظاهر شرع خلاف آن است.<sup>۳</sup> در تعریف دیگر کسانی که خود را در مقام دعوت قرار داده اند و دیگران را به سوی امر خاصی دعوت می‌کنند، مدعی نامیده می‌شوند. بنابراین واژه مدعی قابل صدق بر همه افرادی است که در مقام ادعا هستند، اعم از اینکه در ادعای خود صادق یا کاذب باشند. از این رو برای تشخیص این دو گروه، هر کدام را با نام حقیقی و صادق هستند را مدعیان حقیقی در مقابل کسانی را که ادعای کاذبی دارند مدعیان دروغین می‌نامند.

نتیجه اینکه، در مسئله مدعی دو مقوله ارزشمند وجود دارد که باید به آن توجه شود:

الف: مدعی باید در مقام ادعا باشد؛

ب: مدعی باید در ادعای خود صادق یا کاذب باشد.

---

۳- شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۳، ص ۷۶

با توجه به معنای مدعی حقیقی و مدعی دروغین ، معنای مدعیان دروغین مهدویت به دست می آید و کسانی را که در مسئله مهدویت ، ادعای دروغینی دارند و با انتساب غیر حقیقی برخی از مناصب مهدوی به خود ، مردم را به انحراف دعوت می کنند در این تعریف می گنجد.<sup>۴</sup>

## ۲- امامت

امامت در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است و امام ، فرد یا چیزی است که به او اقتدا می شود . در کتاب های لغت بر امام مصادیقی بر شمرده شده است که عبارتند از : قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام ، جانشین پیامبر صلوات الله علیه وآله و...<sup>۵</sup>

## ۳- مهدویت

مهدویت یا اندیشه منجی موعود در اسلام بر گرفته از لفظ مهدی ، نام منجی موعود است . مهدویت از لحاظ لغوی مصدر جعلی از واژه مهدوی و به معنای هر چیزی است که منسوب به مهدی است . همچنین مهدی ، اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه ( هَدَى ) به معنای هدایتگر و هدایت شده است . چنانچه در کتاب النهایه فی غریب الحدیث آمده است : ( مهدی یعنی آن کس که خدا به راستی وی را به راه حق برده است ).<sup>۴</sup>

همچنین در کتاب مجمع البحرین و مطلع انبیرین به همین معنا اشاره کرده و گفته است : ( مهدی کسی است که خدایش به سوی حق رهنموده است ).<sup>۶</sup>

در اصطلاح ، مهدی نام فردی از خاندان پیامبر اسلام است که رسول اکرم (ص) خود بشارت آمدن و عدالت گستری و منجی گری او در جهان آینده را داده است .

<sup>۴</sup> - محمدی هوشیار ، دکان های کاغذی ، جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت ، ص ۴۳-۴۲

<sup>۵</sup> - ابن منظور ، لسان العرب ج ۱ ، ص ۱۵۷

<sup>۶</sup> - ابن الاثیر ، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر ، ج ۴ ، ص ۲۴۴

## علل پیدایش مدعیان دروغین

### ۱- زمینه های فرهنگی

مسئله مهدویت و انتظار ظهور حضرت امام زمان (عج) یکی از باورهای اصیل در فرهنگ دینی شیعیان است تا جایی که در روایات معصومین علیهم السلام انتظار فرج و ظهور حضرت (عج) بهترین اعمال دانسته شده است و مردم را علاوه بر ترغیب به انتظار فرج، به پرهیز از شتاب و تعجیل در این امر دعوت کرده اند.<sup>۷</sup>

«كذب الوقاتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون» ؛ تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ گفتند ، عجله کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند.<sup>۸</sup>

مدعیان دورغین امامت و مهدویت با سوء استفاده از فرهنگ مهدی خواهی سعی در ارائه نسخه جعلی از مهدویت داشته اند و از قضا در طول تاریخ، مشاهده شده است که به میزان ارتقای شوق مهدویت و انتظار در مردم، تعداد مدعیان دورغین افزایش یافته است ؛ البته باید توجه کرد ، چنانچه شوق مهدی خواهی مردم از روی علم و آگاهی نبوده و فقط به دلیل تبلیغات احساسی مبلغان صورت گرفته باشد درصد موفقیت و ماندگاری مدعیان دورغین تقویت خواهد شد اما در صورتی که این اشتیاق از سر معرفت پدیدار شده باشد، بازار مدعیان بی رونق شده پس از مدت کوتاهی رنگ خواهد باخت .

<sup>۷</sup> -محمدی هوشیار ، دکان کاغذی ، جریان شناسی مدعیان دورغین مهدویت ، ص ۴۷

<sup>۸</sup> - کلینی ، کافی ، ج ۱ ، ص ۳۶۸



تحلیل حاضر ، حاکی از ارتباط دقیق و تحقیق مدعیان دورغین با فرهنگ مهدوی مسلمانان است که در همه ادوار تاریخی ، آشکار شده است.<sup>۹</sup>

## **۲- بحران های اجتماعی**

جنگ ، قحطی ، پر کاری ، گرسنگی ، دوری جامعه از معنویت ، ظلم و فساد در حکومت ها کاهش میزان امید به زندگی و مانند اینها، شرایطی هستند که انسان های یک جامعه را متوجه منجی کرده و تنهاترین راه رهایی خود را در ظهور موعود الهی می بیند.

در این میان با احساس نیاز به برخی شرایط برای ظهور مدعیان دورغین امامت و مهدویت فراهم شده و از فضای موجود، نهایت استفاده را می کنند.<sup>۱۰</sup>

## **علل گرایش مردم به مدعیان دروغین**

علل گرایش مردم به مدعیان دروغین امامت و مهدویت در به کار گیری ابزارها و شیوه های خاص خلاصه نمی شود بلکه عوامل گوناگونی در آن دخیل هستند که گزیده ای از آن بیان می شود :

## **۱- غفلت**

---

<sup>۹</sup> - محمدی هوشیار ، دکان کاغذی ، جریان شناسی مدعیان دورغین مهدویت ، ص ۴۷

<sup>۱۰</sup> - همان ص ۴۸-۴۷

غفلت در لغت به معنای پوشیده و مخفی بودن است.<sup>۱۱</sup> در اصطلاح غفلت، به غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم توجه به آن است و آگاهی درباره بی‌توجهی و دوری کردن از چیزی نیز به کار رفته است.<sup>۱۲</sup>

قرآن کریم می‌فرماید:

«لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لایفقهون بها اعین لایبصرون بها و لهم اعین لایبصرون بها اولئک کالاتعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون»<sup>۱۳</sup>

گروه کثیری از جن و انس را [گویا] برای جهنم آفریدیم: [زیرا] اینان قلب دارند، ولی [حقایق را] نمی‌فهمند. چشم دارند ولی نمی‌بینند [که سرانجام با نافرمانی خدا چیست] و گوش دارند، ولی نمی‌شنوند [و خود را به کرمی می‌زنند] اینان همچون چهارپایان بلکه گمراه ترند؛ آنها غافلند.

با توجه به آیه بالا، عدم درک حقایق معارف الهی و گام نهادن در وادی گمراهی، سرنوشت کسانی است که از یاد خدا غافل و از مسیر هدایت خارج شده‌اند. توجه به مدعیان دروغین و دوری از حجت حقیقی، نتیجه غفلت از یاد خداوند متعال است.<sup>۱۴</sup>

## ۲- حس کنجکاو

حس کنجکاو یا رفتارهای کاوشگرانه، یکی از غرایز موجود در انسان است که میل و عطش آگاهی را به امور پیچیده و دست‌نیافتنی، تحریک می‌کند. در بسیاری از موارد مشاهده شده است که علت گرایش به مدعیان دروغین بر گرفته از کنجکاو بوده و با ناآگاهی کامل وارد مسئله ای می‌شوند که راهی برای رهایی از آن نخواهند داشت.<sup>۱۵</sup>

## ۳- عناد های شخصی

<sup>۱۱</sup> - ابن منظور العرب، ج ۱۱ ص ۴۹۹-۴۹۸

<sup>۱۲</sup> - مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۳، ص ۳۱۷

<sup>۱۳</sup> اعراف: ۱۷۹

<sup>۱۴</sup> - محمدی هوشیار دکان های کاغذی، جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت، ص ۴۹

<sup>۱۵</sup> - همان، ص ۵۰-۴۹

رفتارهای سوگیرانه به مسائل مذهبی و سیاسی حاکم در جامعه می‌تواند در قالب های گوناگونی ظهور یافته و خود نمایی کند . از این رو حرکت در خلاف مسیر جامعه ،گرایش به مدعیان دروغین و ترویج باور ها و اعتقادهای آنان ، نشر فرهنگ غیر مرسوم در جامعه ، پیروی از جریان‌ها و و گروهک‌های غیررسمی از جمله شیوه های به کار بسته شده برای اعمال اعتراض و عناد در جوامع مذهبی است.<sup>۱۶</sup>

#### **۴- میل به متفاوت بودن**

غریزه خودنمایی و فخرفروشی ، یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان به شمار می رود . بعضی افراد به دلیل بی‌بهره ماندن از ابزارها و روش‌های صحیح ارضای این غریزه به شیوه ها ، رفتارها و بینش‌های نادرستی روی می آورند تا بتوانند از این راه برای خواسته‌های خود پاسخ گویند.<sup>۱۷</sup>

#### **۵- ناآگاهی از مبانی و آموزه‌های دینی**

یکی از مهمترین علل گرفتار شدن در چنگ مدعیان دروغین مهدویت ، نا آگاهی از معلومات دینی است. به گونه ای که این مخاطبان با اولین رویارویی با مدعیان دروغین قالب تهی کرده و اعلام بیعت می‌کنند ، نتیجه تحقیقات نشان داده است که بیشترین درصد گروندگان به مدعیان دروغین را افرادی تشکیل می دهند که سطح معلومات دینی مطلوبی ندارند و به دلیل این نا آگاهی در دام آنان گرفتار شده اند . گفتنی است که این افراد ، پس از گرایش به مدعیان دروغین، با تلقین های سر کردگان متوهم شده و خودشان را دانای روزگار فرض می کنند تا جایی که هیچ کس را برای گفت و گو مناسب نمی بینند و در جهل خود

---

<sup>۱۶</sup> همان ، ص ۵۰

<sup>۱۷</sup> - همان

سرگردان می شوند و از آن خلاصی نخواهند داشت.<sup>۱۸</sup> چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: *وَيَمْدَهُمْ فِي طغیانهم* یعمهون<sup>۱۹</sup> و آنها را در طغیانشان نگه می‌دارد تا سرگردان شوند.

## ۶- دوری از روایات معصومان علیهم السلام

فاصله گرفتن از روایات معصومین علیهم السلام میل به بی‌رویه به علوم عقلی و تجربی منجر به آن شده است تا قشر تحصیل کرده و متدین جامعه به روایات اهل بیت علیهم السلام احساس تشنگی کنند. از سویی دیگر این دوری از روایات، آنان را از علوم حدیث بی‌بهره کرده است و توان تمییز روایات صحیح از غیر صحیح را از دست داده‌اند. با توجه به تشنگی ایجاد شده به روایات، هر روایتی را بدون بررسی پذیرفته و از این رهگذر به وادی انحراف متمایل می‌شوند، چرا که در ادوار تاریخ شاهد جاعلان و متقلب‌هایی بوده‌ایم که به واسطه اغراض خود حدیث جعل کرده و با نام اهل بیت علیهم السلام منتشر کرده‌اند.<sup>۲۰</sup> برای مثال ابن ابی العوجا، فردی است که هنگام مرگ از کار خویش پرده برداشت و اعلام کرد: *من را بکشید اما بدانید که چهار هزار حدیث جعل کردم تا حرام را حلال و حلال را حرام کنم.*<sup>۲۱</sup>

## مدعیان امامت

### ۱- فرقه کیسانیه

نخستین فرقه‌ای که در شیعه پدید آمد، فرقه کیسانیه بود، آنان پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی‌اند.<sup>۲۲</sup> از این رو، عده‌ای نام این فرقه را به مختار ثقفی منتسب کردند و از آنجا که مختار را کیس و سیاستمدار می‌

<sup>۱۸</sup> - همان، ص ۵۱-۵۰

<sup>۱۹</sup> - بقره: ۱۵

<sup>۲۰</sup> - محمدی هوشیار، دکان‌های کاغذی جریان‌شناسی مدعیان دورغین مهدویت، ص ۵۱

<sup>۲۱</sup> - طبری، تاریخ طبری، ج ۸ ص ۴۸؛ بغدادی، الفرق، ص ۱۶۳

<sup>۲۲</sup> - ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۶۲

نامیدند ، این فرقه نیز با عنوان کیسانیه نامگذاری شد؛<sup>۲۳</sup> هر چند که در مواردی نیز به نام فرقه مختاریه معرفی شده اند.<sup>۲۴</sup>

این فرقه محمد بن حنیفه را امام می‌دانستند . بیشتر آنان به امامت او پس از امام حسن و امام حسین علیهما السلام قائل بودند و برخی نیز به امامت وی پس از امیرالمومنین علیه السلام عقیده داشتند.<sup>۲۵</sup>

آنچه مسلم است ، اینان حضرت زین العابدین علیه السلام را بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به امامت نپذیرفتند . آنان اعتقاد به امامت و مهدویت محمد بن حنیفه داشتند. علاوه بر آن با اعتقاد به غیبت ، ظهور و گسترش عدل و داد محمد بن حنیفه وی را در مقام مهدویت قرار دادند و او را مهدی موعود خواندند.<sup>۲۶</sup> البته شاید اولین منشاء این باور ادعای محمد حنیفه درباره امامت بود که خود را سزاوار امامت دانست و درخواست پذیرش امامت خود را با امام سجاد علیه السلام مطرح کرد؛<sup>۲۷</sup> اما پس از مخالفت آن حضرت و بیان ادله و ارائه نشانه‌های امامت از ادعای خود صرف نظر کرد و بعد از آن هرگز خود را امام یا مهدی ندانست.<sup>۲۸</sup>

عقیده ای این فرقه از جهتی دیگر نیز باطل است ؛ زیرا محمدحنیفه معصوم نیست پس شرط امامت را ندارد و تخصصاً از امامت خارج است و نیز خود او ادعای امامت نکرده است .

## ۲- فرقه زیدیه

۲۳ - مفید ، الفصول المختاری ، ص ۲۹۶

۲۴ - ادعیا المهدیه ، المركز الاسلامی للدراسات الاستراتیجه ، ص ۶۶

۲۵ - ربانی گلپایگانی ، فرق و مذاهب کلامی ، ص ۶۲

۲۶ - نوبختی ، فرق الشیعه ، ص ۴۴ ؛ نبیله عبدالمنعم ، نشاه الشیعه الامامیه ص ۸۲

۲۷ - کلینی ، کافی ، ج ۱ ، ۳۴۸ ؛ مامقانی ، تنقیح المقال ، ج ۳ ، ص ۱۱۵

۲۸ - مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۴۴ ، ص ۱۴۴

زیدیه یکی از فرق معروف هستند که بر خلاف شیعه امامیه از امامت محمد بن علی (ع) امام پنجم شیعه ملقب به باقریه سر بر تافته و امامت زیدبن علی برادر ناتنی ایشان را که از نسل فاطمه سلام اله .. علیها نبود به امامت خود برگزید. زید در سال ۷۹ هجری به دنیا آمد در سال ۱۲۲ هجری به شهادت رسید.<sup>۲۹</sup>

پیروان زید اطراف یحیی و فرزندان او گرفتند. یحیی در خراسان قیام کرد ( ۲۵ ه ق) و در جوزجان کشته شد. پیروان او به فرقه های مختلف ( رافضیه ، جارودیه ، عجلیه ، تبریه ، صالحیه و زیدیه ) تقسیم و قائل به مهدویت زید و منتظر ظهور او شدند.<sup>۳۰</sup>

زید از حیث علم ، زهد ، ورع ، شجاعت و دین ، از بزرگان اهل بیت به شمار می رود و این که خود زید ادعای امامت یا مهدویت داشته باشد در منابع یافت نشده است ، بلکه روایتی از زیدبن علی (ع) رسیده است که موید عقیده صحیح او در امر مهدویت است . ایشان می فرماید : پدرم علی بن حسین از پدرش حسین بن علی (ع) برایم روایت کرد که فرمود: رسول الله (ص) فرمودند : ای حسین : تو امامی و نه تن از فرزندان تو امینان و امامان معصومند و نهمین ایشان ، مهدی ایشان است.<sup>۳۱</sup>

اولین فردی که از امامان زیدی ادعای امامت نمود ، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب ، مشهور به نفس زکیه ، هم خودش ادعای مهدویت کرد ، هم دیگران برای او چنین ادعایی نمودند.

ابو الفرج اصفهانی نقل می کند منصور ذاتقی یکی از غلامانش را فرستاد که در پای منبر وی بنشیند و خطبه اش را گوش دهد . او می گوید : من در پای سخنان نفس زکیه نشستم و شنیدم که می گفت : شما شک نمی کنید در این که من مهدی هستم و من همان مهدی موعود می باشم.<sup>۳۲</sup>

آنگاه از پدرش عبدالله محض نقل می کند که در ضمن خطبه ای گفت: بیایید یا نفس زکیه بیعت کنیم به راستی می دانید که او مهدی است .<sup>۳۳</sup> برخلاف عده ای که نفس زکیه را به عنوان مهدی موعود می دانستند،

<sup>۲۹</sup> - قائدان، نیم نگاهی به حج ، ص ۷۳

<sup>۳۰</sup> - شهرستانی ، الملل و النحل ، ج ۱ ، ص ۱۵۴

<sup>۳۱</sup> - علی بن محمد بن علی الخزار رازی القعی ، کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۳۲۷

<sup>۳۲</sup> - ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبین ، ص ۲۰۳

<sup>۳۳</sup> - همان ، ص ۲۰۳

امام صادق(ع) بیعت با نفس زکیه با عنوان مهدی موعود را جایز ندانستند و با این نوع بیعت مخالفت کردند؛ ضمن اینکه ایشان می‌دانستند که بنی عباس که در ابتدا با او بیعت کردند؛ بر عهد خود استوار نمانده، بیعت خود را با نفس زکیه خواهند شکست.<sup>۳۴</sup>

### ۳- باقریه

باقریه، به گروهی از شیعیان گفته می‌شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر(ع) بودند. آنان رشته امامت را از حضرت علی بن ابی طالب به نواده او امام باقر(ع) کشانیده و او را مهدی منتظر می‌دانستند.<sup>۳۵</sup> به نظر آنان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا (ص) به او فرموده است: «انک ستدرک رجلا من اهل بیته ائمه محمد بن علی یکتی ابا جعفر فا ترکه منی السلام».<sup>۳۶</sup>

همانا مردی از اهل بیت مرا - که نام او محمد بن علی و کینه اش ابا جعفر است - خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان.

باقریه گویند: از آنجایی که جابر مامور رسانیدن سلام از طرف جدش به وی بود، پس آن حضرت، مهدی منتظر است. البته این استدلالی بسیار سست و واهی است.<sup>۳۷</sup>

برخلاف این توهم، روایات فراوانی - حتی از خود امام باقر(ع) - این ادعا را باطل می‌داند، ابوبصیر نقل کرده که امام باقر(ع) فرمود: بعد از حسین نه امام می‌آیند، نهمین آنان قائم ایشان است.<sup>۳۸</sup>

### ۴- ناوسیه

<sup>۳۴</sup> - همان، ص ۲۳۳

<sup>۳۵</sup> - سلیمانان، درنامه مهدویت جلد ۱، ص ۱۰۶

<sup>۳۶</sup> - کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۴

<sup>۳۷</sup> - مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۶

<sup>۳۸</sup> - طوسی، الغیبه، ص ۱۴۰

ناووسیه برگرفته از اسم شخصی به نام ناووس از اهالی بصره است<sup>۳۹</sup>. آنان امامت را در حضرت جعفر بن محمد علیها السلام متوقف می دانند و معروف به صارمیه هستند<sup>۴۰</sup>. ناووسیه می گفتند: جعفر بن محمد علیهما السلام زنده است و نمی میرد، او مهدی آخر الزمان است. آشکار می شود و مردمان فرمانروایی می کند. آنان می پنداشتند؛ از وی روایت شده است: اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید که مرا بیمار یافته و مرده و مرا شسته است؛ باور نکنید و بدانید که من سرور شما و دارنده شمشیر هستم. به جهت کلمه شمشیر این طایفه را صارمیه نیز خوانده اند. به گفته شیخ طوسی معتقدان به امامت جعفر بن محمد علیها السلام یعنی ناووسیه که معتقدند امام صادق (ع) زنده بوده و از دنیا نرفته است و ایشان همان مهدی موعود است؛ رد این ها بسیار روشن است به دلیل اینکه همانگونه که ما از شهادت امیرالمومنین و رحلت نبی اکرم (ص) و پدر و جد امام صادق علیهم السلام اطلاع داریم از شهادت ایشان هم اطلاع کامل داریم<sup>۴۱</sup>.

## ۵- اسماعیلیه

فرقه اسماعیلیه پس از شهادت امام صادق (ع) از شیعه دوازده امامی جدا شدند و بعد از آن حضرت قائل به امامت پسرش اسماعیل شدند. از آنجا که اسماعیل در زمان حیات پدرش دیده از جهان فروبست فرقه اسماعیلی درگذشت او را انکار کرده<sup>۴۲</sup> مدعی شدند که امر بر مردم مشتبه است. آنها می گویند چون اسماعیل از جانب خلفای عباسی در معرض خطر بود از این رو برای حفظ جان او شایعه کردند که او در گذشته است<sup>۴۳</sup>. نوبختی در مورد آنها می گوید به عقیده اسماعیلی ها، اسماعیل زنده است و از دنیا نمی رود تا روزی که جهان تحت فرمان او قرار بگیرد، زیرا پدرش به امامت او فرمان داده و او را پیشوایی امت برگزیده است. به عقیده آنها او همان قائم آل محمد است<sup>۴۴</sup>.

<sup>۳۹</sup> - شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۴۸

<sup>۴۰</sup> - سلیمانان، درسامه مهدویت جلد ۱، ص ۱۰۶

<sup>۴۱</sup> - طوسی، الغیبه، ص ۷۲

<sup>۴۲</sup> - بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۳۴

<sup>۴۳</sup> - شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۳۵

<sup>۴۴</sup> - نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۸-۶۷



اما در رد این فرقه باید گفت اسماعیل معصوم نبوده و هیچگاه ادعای امامت نکرده و اگر کسانی برای ادعای امامت کرده اند دلایل مختلفی داشته است و با تکیه بر اینکه اسماعیل در زمان حیات امام صادق (ع) از دنیا رفته است چطور ممکن است امامت از امام زنده به شخصی که جلوتر از امام زنده از دنیا رفته منتقل شده باشد! ۴۵

شایان ذکر است که عبدالله بن جعفر پس از اسماعیل به دنیا آمد ، بعد از شهادت پدر ادعای امامت نمود و جماعتی هم از او پیروی کردند.

روایت شده که امام جعفر صادق (ع) به امام موسی کاظم (ع) فرمود : فرزندم ! همانا برادرت [عبدالله] به جای من می نشیند و ادعای امامت بعد از مرا می کند . اما تو کلمه ای به او نگو و با او درگیر مشو ؛ چرا که او اولین کسی است که از اهل بیتم به من ملحق می شود . عبدالله ۷۰ روز پس از شهادت پدر از دنیا رفت. ۴۶

## ۶- واقفیه

پس از درگذشت امام موسی بن جعفر (ع) ، گروهی از شیعیان در امامت آن حضرت توقف کردند و گفتند که او از دنیا نرفته است ، بلکه از دیده ها ناپدید شده و روزی ظهور خواهد کرد و او قائم آل محمد است ، این گروه به واقفیه معروف شدند. ۴۷ به گروهی که در امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) توقف کرده اند ، قطعیه نیز گفته می شود زیرا امامت را در امام هفتم قطع کرده اند و به امامت امام هشتم معتقد نشده اند. ۴۸ آنها معتقدند که امام هفتم زنده است و پس از آنکه جهان پر از ظلم و ستم گردید ، ظهور کرده ، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد به فرقه قطعیه ، معطوره و یا موسویه نیز گفته می شود. ۴۹

## ۷- محمدیه

۴۵- ربانی گلپایگانی ، فرق و مذاهب کلامی به نقل از : الفصول المختاره من العیون و المجالس ، جلد ۲ ، ص ۳۰۸

۴۶- کشی ، اختیار المعرفه ، رقم ۴۷۲

۴۷- مقدسی ، البدء و التاریخ ، جلد ۵ ، ص ۱۲۸

۴۸- شهرستانی ، ملل و النحل ، جلد ۱ ، ص ۲۳۴

۴۹- ابن حزم ، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل ، جلد ۴ ، ص ۱۷۹

محمدیه که بعد از حضرت هادی (ع) پسرش سیدمحمد را امام می‌دانند ، او در حیات آن حضرت وفات یافت<sup>۵۰</sup> . ایشان از جمله افرادی است که داعیه مهدویت نداشتند و پس از وفات به مهدویت وی قائل شدند . عده ای پس از وفات ایشان در زمان امام هادی (ع) بر این باور شدند که امام برای حفظ جان فرزندش خبر مرگ او را منتشر کرده است ؛ در حالی که هیچ گاه از دنیا نرفته و روزی ظهور خواهد کرد . از این رهگذراو را امام یازدهم شیعیان و قائم آل محمد (ص) دانستند . وی به امامزاده سید محمد شهرت دارد که در نزدیکی سامرا مدفون شده است.<sup>۵۱</sup>

## ۸- عسکریه

پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) عده ای در امامت ایشان توقف کردند آنان بر این عقیده بودند که با توجه به اینکه حضرت زنده بود و بعد از خود فرزندی ندارد ، پس به حکم جایز نبودن خلّو زمین از حجت خدا، باید خود ایشان ، مهدی موعود باشند . بنابراین روزی ظهور و زمین را پر از عدل دادخواهد کرد.<sup>۵۲</sup>

## ۹- جعفر کذاب

جعفر از فرزندان حضرت هادی علیه السلام معروف به « ابوالکراین » از مدعیان امامت بود . وی پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام ، دعوی امامت کرد و از این رو به کذاب (دروغگو) شهرت یافت. این شهرت و ادعای او ، قبلاً در کلمات معصومین علیهم السلام مورد اشاره و پیشگویی قرار گرفته بود. امام سجاد علیه السلام به نقل از پیامبر(ص) فرموده است : آن گاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شد ، نامش را صادق بگذارید که پنجمین فرزند از سلاله او ، نامش جعفر است که از روی تجّری بر خدای تعالی و دروغ بستن براو ، ادعای امامت می کند .<sup>۵۳</sup>

جعفر از افرادی بود که ادعای امامت داشت پس از رحلت پدر میگفت امام مردم من هستم نه برادرم.

<sup>۵۰</sup> - نهانندی ، العقبیری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان ، جلد ۳ ، ص ۳۵

<sup>۵۱</sup> -نوبختی ، فرق الشیعه ص ۱۰۳

<sup>۵۲</sup> - همان ص ۱۰۶

<sup>۵۳</sup> - ابن بابویه ، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، باب ۳۱ ، ح ۲

گفته اند که جعفر پیش از مرگ توبه کرده است.<sup>۵۴</sup> در این زمینه به توقیعی از امام زمان (عج) که در آن کار جعفر را به عمل برادران یوسف تشبیه کرده است.<sup>۵۵</sup> استفاده کرده اند.<sup>۵۶</sup> البته برخی با استناد به سخنان شیخ مفید در خصوص ادعای امامت جعفر<sup>۵۷</sup>، منظور امام زمان را در این توقیع، تنها سابقه داشتن گمراهی در فرزندان انبیاء دانسته اند.<sup>۵۸</sup>

## کارکردهای فرهنگی اجتماعی معصومین (ع) در مقابله با مدعیان دروغین

### ۱- بیان نقاط مهم و کاربردی در آموزه امامت و مهدویت بر جلوگیری از انحراف

در نهادینه سازی رویکرد کیفی به آموزه امامت و مهدویت بر نقاط مهم و راهبردی در تبیین آموزه یاد شده تاکید می‌شود. از آنجایی که تبیین و بیان همه جزئیات در این آموزه ها ممکن نیست و چنین کاری ضرورتی هم ندارد، امامان معصوم توجه خود را بر نقاط حساس و راهبردی در تبیین امامت و مهدویت معطوف کردند.

#### ۱-۱) نهادینه سازی آموزه مهدویت

معصومین علیهم السلام بر جسته سازی باور به غیبت امام مهدی (عج) را سالها قبل از وقوع غیبت به منظور تبیین مهدویت انجام داده‌اند. غیبت امام دوازدهم هم زمان با گسترش رسالت الهی پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی مطرح شد و اولین سخنان درباره غیبت مهدی (عج) از زبان آن حضرت صادر گردید.

از رسول گرامی اسلام صل الله علیه و آله نقل شده که در ضمن حدیثی چنین فرمودند: « خداوند از نسل حسین علیه السلام پیشوایانی قرار داده است که امر مرا به پا می دارند و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین

<sup>۵۴</sup>- عمری، المجد، ص ۱۳۰

<sup>۵۵</sup>- صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴

<sup>۵۶</sup>- ابن عنبه، عمده الطالب، ص ۱۸۰

<sup>۵۷</sup>- مفید، الفصول العشره، ص ۶۱-۶۲

<sup>۵۸</sup>- سعیدی، جعفر بن علی، ج ۱، ص ۴۷۰۰

آنها قیام کننده از اهل بیت من و مهدی این امت است که در شمایل و سخنان و افعالش شبیه ترین مردم به من می باشد. او پس از غیبتی و حیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد.<sup>۵۹</sup>

با نزدیک شدن زمان غیبت گفتار امامان در این زمینه از تصریح بیشتری برخوردار می شد. در سخنان معصومین علیه السلام مسئله غیبت اساسا به عنوان یک سنت الهی مطرح شده که در امت های پیشین و ابنیای گذشته و اوصیای ایشان معلوم بوده است.<sup>۶۰</sup>

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «در قائم علیه السلام سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است، گفتم: سنت او از موسی بن عمران چیست؟ فرمود: پنهانی ولادتش و غیبت از قومش. گفتم: موسی از اهل و قومش چقدر غایب بود؟ فرمود: بیست و هشت سال.<sup>۶۱</sup>

مهمترین فرقه ای که بیشترین سوء استفاده را از روایات غیبت کرد، واقفیه بود، آن ادعا کردند که موسی بن جعفر (ص) همان مهدی است و در غیبت به سر می برد و گزارش شهادت آن حضرت را توجیه کردند. آنان روایات غیبت را نقل و آنها را درباره امام کاظم (ص) و عقاید خود تاویل می کردند.<sup>۶۲</sup>

## ۲-۱) تاکید بر گفتمان امامت منصوص

امامان شیعه با تاکید بر گفتمان امامت منصوص، نه تنها مشروعیت خود را برای تعامل اثرگذار بر پیروان خویش تامین کردند بلکه با بهره برداری از مشروعیت نهادینه شده برآمده از آن توانستند از تقویت و رشد مدعیان دروغین امامت و مهدویت استفاده کنند. امام منصوص بدان معنی است که امامت موهبتی است الهی که به شخص برگزیده و معینی در فرزندان فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام محدود می شود

<sup>۵۹</sup> - ابن بابویه ترجمه کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۴

<sup>۶۰</sup> - عرفان، مواجهه ائمه با مدعیان دروغین مهدویت، ص ۱۳۶

<sup>۶۱</sup> - ترجمه کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳

<sup>۶۲</sup> نوبختی، فرق الشیعه ص ۱۱۸

و امام قبل از رحلتش با هدایت خداوندی ، امامت خود را با معرفی و تعیین صریح و روشن به امام بعدی منتقل می کند . خواه او ادعای قدرت سیاسی و حکومت را داشته باشد و یا نداشته باشد.<sup>۶۳</sup>

امام صادق (ع) می فرماید : « امام نمی میرد تا اینکه امام بعد از خود را بشناسد و به او وصیت کند ( و او را معرفی کند ) .<sup>۶۴</sup>

روایاتی از ائمه علیهم السلام که امام بعد از خود را به نام معین و مشخص کرده اند تا همگان بدانند -اگر انصاف دهند- به آن ایمان آورند.<sup>۶۵</sup>

سید هاشم بحرانی ( م ۱۱۰۷ ق ) در کتاب الانصاف فی النص علی الائمه الاثنی عشر بیش از ۳۰۰ روایت که در نص بر امامت دوازده گانه از اهل بیت علیهم السلام در مصادر شیعه و سنی وارد شده ، گردآوری نموده است .<sup>۶۶</sup> با تبیین امامت منصوص ، نفی امامت به واسطه خویشاوندی ثابت می شود و ادعای مدعیان دورغین که قائل به امامت این دوره که قائل به امامت اسماعیل بن جعفر بعد از فوت ایشان شده اند و ادعای عبدالله بن جعفر مبنی بر امامت خود بعد از امام صادق (ص) به واسطه خویشاوندی نفی و رد می شود.

### ۳-۱) معیارهای تشخیص

شیعیان در عصر ائمه علیهم السلام برای شناخت امامان ، اوصاف و جانشینان ایشان اهمیت بسیاری قائل بودند و این امر را بر اساس روایت :<sup>۶۷</sup> « من مات لایعرف امامه مات میتة جاهلیه » وظیفه ای دینی و ترک آن را به مثابه هلاکت می دانستند.<sup>۶۸</sup>

<sup>۶۳</sup> - جعفری ، شیخ در مسیر تاریخ ص ۳۳۵

<sup>۶۴</sup> کلینی ، کافی ، ج ۲ ص ۲۴ ج ۲۲۷

<sup>۶۵</sup> -عمیدی ، حضرت مهدی منتظر در اندیشه اسلامی ، ص ۱۳۱

<sup>۶۶</sup> -پور اکبر ، تاریخ حدیث شیعه ، ص ۳۵۲

<sup>۶۷</sup> -کلینی ، کافی ، جلد ۱ ص ۳۷۷ ، ج ۱۳۶۵

<sup>۶۸</sup> جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه ، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات کلامی ، ص ۶۲

ائمه علیه السلام ملاک‌هایی برای کسب معرفت و تعیین و تشخیص امام بیان کرده؛ از جمله صفات خاص مثل علم و عصمت و صفات عمومی چون زهد، تقوا، صیانت، دین و ایمان که در اختیار شیعیان می‌گذاشتند.

این کسب معرفت می‌تواند از طریق ویژگی‌های امام حاضر و یا جانشین امام متوفا باشد. شیعیان گاه برای شناخت امام به خود امام مراجعه می‌کردند و گاه با پرسیدن از اصحاب دانشمند و نزدیکان ائمه (ع) به دنبال کشف حقیقت و انجام وظیفه دینی خود بوده، گاهی نیز برای تشخیص و شناخت امام جدید وی را آزموده و انتظار پاسخ به مسائل و مشکلاتشان را داشته و امید به دیدن کراماتی به ویژه خبر غیبی و پاسخ به پرسش پیش از طرح آن داشتند.<sup>۶۹</sup>

از ویژگی‌های بسیار مهم امام که شیعیان به دنبال شناخت آن بودند، گستره علم امام بود. گزارش‌های بسیاری در روایات در این باره وجود دارد. ائمه علیهم السلام نیز در تبیین ویژگی‌های امام، یکی از مواردی که همواره بر آن تاکید داشتند، علم امام بوده است؛ این که امام باید عالم به حلال و حرام الهی<sup>۷۰</sup> و در پاسخ گویی به هر پرسشی توانا باشد.<sup>۷۱</sup>

از جمله مواردی که علم امامت را ثابت می‌کند، علم غیبی و پاسخ امام رضا (ع) به پرسش نسبت به سرگردانی عبدالله بن مغیره پس از شهادت امام کاظم (ع) است. وی که در امر امامت متوقف و سرگردان شده بود، در آن حال حج گزارده و زمانی که به مکه رسید، به رکن ملتزم چسبیده و خدا چنین خواست: خدایا! تو از خواسته و حال من آگاهی مرا بهترین آیین راهنمایی فرما! وی می‌گوید: «سپس خدمت حضرت رسیدم هنگامی که مرا دید فرمود: «خدا دعایت را مستجاب و به دینت هدایت کرد».<sup>۷۲، ۷۳</sup>

شیعیان همچنین برای اطمینان و کشف حقیقت، امام یا کسی را که مدعی امامت بود بر اساس معیارهای پیش گفته از جانب امامان پیشین امتحان می‌کردند. آزمودن امام برای شیعیان دارای دو جنبه اثباتی و

۶۹ - همان ص ۶۲

۷۰ - کلینی، کافی، جلد ۱ ص ۲۸۴ ح ۱۳۶۵

۷۱ - مفید، الارشاد، ص ۶۶

۷۲ - همان، ص ۶۴

۷۳ - ابن بابویه، خصال شیخ صدوق ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۳۸۷

سلبی بود و از این طریق ، هم به بطلان ادعای کسی که به ناحق مدعی امامت یا در مظان شایستگی جایگاه امامت بود ، پی می بردند و هم درباره امامی که حقا لیاقت مقام امامت را داشت به یقین می رسیدند ؛ مانند داستان هشام بن سالم که با گروهی از شیعیان پس از شهادت امام صادق (ع) به امامت عبدالله افطح معتقد شده بودند، پس از آزمون وی و درماندگی اش در پاسخ به پرسش های مطرح شده، نزد امام کاظم (ع) رهنمون شده و پس از آزمون و اطمینان از علم سرشار آن حضرت به امامت وی ایمان آوردند.<sup>۷۴</sup>

ابوالادیان نیز بر اساس آنچه از امام عسکری (ع) شنیده بود ، جعفر را که مدعی جانشینی حضرت بود آزمون و پس از ناتوانی او در پاسخ به مسائلیش، آنچه را شنیده بود ، در فرزند خردسال امام حسن عسکری (ع) یافت و او را جانشین حضرت دانست.<sup>۷۵، ۷۶</sup>

## ۲-تبارشناسی مهدی موعود

از دیدگاه ائمه علیهم السلام مهدی موعود متعین و مشخص است. تعیین و تشخیص مهدی یکی از مهمترین نکات در روایات صادر شده از ائمه علیهم السلام می باشد. بدین معنا که مهدی را به صورت انسانی خاص با مشخصات فردی منحصر به فرد می یابیم ؛ به عبارتی این وعده به دست یک شخص محقق می شود ، نه اینکه وعده ای آرمانی باشد . از طرفی ، چنان نیست که تحقق این وعده به دست هر کسی انجام گیرد ؛ بلکه انجام دهنده این کار شخصیتی از پیش تعیین شده و متعین است به گونه ای که نام پدر، مادر، حسب و نسب وی معلوم است .<sup>۷۷</sup>

این گونه اهتمام بر تبارشناسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در سخنان خود بیان کرده اند ، خود راه را بر بسیاری از مدعیان دروغین خواهد بست . در ادامه ویژگی ها و خصوصیات حضرت مهدی (عج) را بیان خواهیم کرد:

<sup>۷۴</sup> کشی ، اختیار المعروفة الرجال ، ص ۳۷۷ ، ج ۱۳۶۵

<sup>۷۵</sup> - همان ص ۶۶

<sup>۷۶</sup> - ابن بابویه ، خصال شیخ صدوق ، ج ۲ ص ۴۷۵ ، ج ۱۳۹۵

<sup>۷۷</sup> - جمعی از نویسندگان ، گونه شناسی اندیشه برخی موعود در ادیان ، ص ۲۱

## ویژگی های ظاهری

۱- معرفی مهدی موعود (عج)

پیامبر اسلام (ص) فرموده است: « در آخرالزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نام و کنیه اش همانند نام و کنیه من است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند پس از آنکه از ظلم و جور پرشده باشد. پس آن مرد، مهدی این امت است».<sup>۷۸</sup>

در احادیث شیعه، نسبت حضرت مهدی (عج) از طرف پدر به امام حسن عسکری (ع) امام یازدهم شیعیان و از طرف مادر، به نرجس، دختر یوشع بن قیصر، پادشاه روم می رسد. مادر او از نژاد شمعون، وصی عیسی (ع) و از حواریون آن حضرت است.<sup>۷۹</sup>

## ۲- خصوصیات جسمی و بدنی

۱-۲) امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: « خداوند حضرت مهدی (عج) را در روزگار غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایانش او را در چهره جوانی کمتر از ۴۰ ساله ظاهر می کند.

۲-۲) ابو بصیر می گوید: <sup>۸۰</sup> امام صادق علیه السلام گفتیم: « از پدر شما شنیدم که امام زمان (عج) سینه ای گشاد و کتف هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: ای ابا محمد پدرم زره پیامبر را پوشیده ولی برای او بلند بود، به طوری که به زمین می رسید. من نیز آن را پوشیدم ولی بر قامت بلند بود، ولی آن زره بر قامت حضرت

<sup>۷۸</sup> - سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۷۷؛ به نقل از: منتخب الاثر، ص ۲۳۶

<sup>۷۹</sup> - ابن بابویه کمال الدین و مقام المعفه، ج ۲، ص ۱۳۷

<sup>۸۰</sup> - همان، ج ۱ باب ۲۹، ص ۳۱۵



قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده است.<sup>۸۱</sup>

۲-۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

مهدی(عج) از فرزندان من است . اندامش چونان مردان بنی اسرائیل ، سخت و ستبر است . به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند ؛ رنگ چهره اش به عرب ها شباهت دارد ، قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید صورتش چون پاره ماه می درخشد ، زمین را پر از عدل و داد می کند ، آن گاه که آکنده از ظلم و ستم شود ، بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه شهرهای کفر چون قسطنطنیه ، و روم و ..... را می گشاید.

### ۳- از بین بردن دست آویز مدعیان و پیش بینی ادعای مدعیان

#### ۱-۳) شیوه متمایز شرکت امام صادق (ع) در تشیع فرزندش اسماعیل

اسماعیل بزرگترین پسر امام صادق علیه السلام بود امام صادق (ع) او را بسیار دوست می داشت . به خاطر این محبت زیاد و بزرگتر بودن او ، گروهی از شیعیان در همان زمان گمان می کردند که پس از امام صادق (ع) ، اسماعیل ، امام شیعیان خواهد بود . اسماعیل هنگام حیات پدرش امام صادق (ع) ، وفات کرد. امام صادق (ع) در مرگ او بسیار غمگین گردید در وقت تشییع بدن اسماعیل ، بدون کفش و بدون عبا پیشاپیش تابوت راه می رفت . در زمان تشییع به دستور امام چند بار تابوت را بر زمین گذاشتند و امام کفن را از چهره اسماعیل کنار می زد و با اسماعیل خداحافظی می کرد و تشییع کنندگان را متوجه مرگ اسماعیل می کرد . امام می خواست به این وسیله گمان کسانی را که اسماعیل را امام دانستند ، از بین ببرد . با مرگ اسماعیل اکثر آنان که او را امام می پنداشتند ، دست از پندار خود برداشتند ولی گروهی از آنان مرگ اسماعیل را منکر

<sup>۸۱</sup> - معجم احادیث الامام المهدی ، ج ۵ ، ص ۸۷ ؛ به نقل از بصائر الدرجات ص ۱۸۸

شدند و گفتند: اسماعیل زنده است و گروهی هم معتقد شدند که با مرگ اسماعیل امامت به پسرش محمد منتقل شده است.<sup>۸۲</sup>

## ۲-۳) اعلام امامت از سوی امام رضا (ع)

از بین بردن دستاویز و بهانه مدعیان دروغین با مشخص کردن امام رضا علیه السلام به عنوان وصی از طرف امام کاظم علیه السلام اجرایی شد. امام رضا (ع) با در پیش گرفتن شیوه اجتماعی جدیدی در صدد بر آمدند تا با مدعیان مهدویت امام کاظم (ع) به تقابل بپردازند. با آغاز فتنه واقفیه امام رضا (ع) امامت خود را در مدینه آشکار ساخت. اعلام علنی امامت توسط امام رضا (ع) باعث تشجیع و ترغیب برخی از خواص شیعه همانند یونس بن عبدالرحمن در بغداد و علی بن اسماعیل میثمی در بصره شد. تا با تمام قوا به ابطال ادعاهای واقفیه و تبیین امامت امام رضا (ع) در محدوده عراق مرکزی بپردازند.<sup>۸۳</sup>

علی بن ابی حمزه بطائنی از رهبران درجه اول واقفیه، محمد بن اسحاق بن عمار، حسین بن مهران، حسین ابن ابی سعید مکاری، احمد بن ابی بشر سراج از واقفیه اند که در زمان حج با امام دیدار داشتند. آنها ابراز دعوت علنی امام را بر خلاف سیاست تقیه شدید امامان صادق و کاظم علیهما السلام در آغاز امامتشان می دانستند و این را نشانه ای برصادق نبودن امام به شمار می آوردند.<sup>۸۴</sup> ولی امام رضا (ع) آن را هم سو با روش بهترین پدرانیش یعنی پیامبر اکرم (ص) می دانستند و مطابقت شیوه خود با شیوه حضرت رسول (ص) و عدم گزند و آسیب رسیدن از جانب هارون نسبت به خویشتن را از نشانه های امامت خویش خواندند. امام رضا (ع)

<sup>۸۲</sup> - امین عاملی - اعیان الشیعه ج ۵ ، ص ۹۱ ، شماره ۲۳۴۲

<sup>۸۳</sup> - رضایی آدریانی ، آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا (ع) ، ص ۱۴۴

<sup>۸۴</sup> - همان ص ۱۴۵

با چنین روشی در صدد بودند تا از گرایش شیعیان به جریان انحرافی واقفیه بر مهدویت امام کاظم (ع) جلو گیری کنند .

### ۳-۳) پیش بینی امام صادق علیه السلام از سرنوشت نفس زکیه

عبدالله بن حسن معروف به عبدالله محض در نزدیکی درمدینه ابواء از خویشان و پیروان خود دعوت کرد تا با پسرش به عنوان مهدی بیعت کنند. تنها اعتراضی که در جریان ابواء صورت گرفت از سوی امام جعفر صادق (ع) بود زیرا او خود را تنها امام بر حق دانسته و با هر نوع قیام و خروج همچون پدرش مخالف بود. امام صادق (ع) به عبدالله محض فرمود: « به خدا قسم پسر مهدی این امت نیست و اگر قیام کند ، کشته خواهد شد. عبدالله محض گفت : این به خاطر حسادت تو نسبت به پسر من است ! »<sup>۸۵</sup>

از دیدگاه امام این اقدام ساده و شتابزده نه تنها دوام نمی آورد ، بلکه فرصت طلبان از آن بهره بیشتری می‌برند. پیداست که امام صادق (ع) هرگز خروج نفس زکیه را تایید نمی‌کرد و پس از خروج نیز او را تایید نکرد.

### ۳-۴) پیش بینی ادعای دروغین واقفیه پیرامون مهدویت امام کاظم (ع)

در روایات بسیاری ادعای دروغین واقفیه پیرامون مهدویت امام کاظم (ع) پیش‌بینی شده بود . حکم بن غیض نقل می کند که به همراه دایی خود سلیمان بن خالد خدمت امام صادق (ع) رسیدیم امام او را از قتنه بعضی از شیعیان بعد از خود خبر داد فتنه ای که عده ای منکر امامت بعد از موسی بن جعفر (ع) هستند و ادعا می کنند او نمرده است.<sup>۸۶</sup>

## ۴- از بین بردن شک و تردید در امر امامت و تلاش برای هدایت و اتمام حجت با

### مدعیان

<sup>۸۵</sup> - مسعودی ، مروج الذهب ، ج ۳ ص ۲۵۵- ۲۵۴

<sup>۸۶</sup> - کشی ، اختیار المعرفة ، ص ۷۵۸ ، ح ۸۶۶

۴-۱) زدودن شک و تردید کسانی که ممکن بوده تحت تاثیر فضای سازی و تبلیغات مدعیان دروغین قرار گرفته باشند از جمله راهکارهای ائمه علیهم السلام در تقابل با مدعیان بوده است. از آنجا که دسته ای از راویان بزرگ شیعی به جریان واقفه پیوسته بودند برخی از شیعیان دچار شک و تردید شده بودند و امام رضا (ع) تلاش فزاینده ای برای زدودن شک و تردید شیعیان داشتند.<sup>۸۷</sup> برای نمونه احمدبن محمدبن ابی نصر بزنطی، از جمله کسانی است که تحت تاثیر واقفه در امامت امام رضا (ع) دچار شک و تردید شده بود. وی می گوید: من از جمله کسانی بودم که در امامت کاظم (ع) توقف کرده و در امامت امام رضا (ع) شک داشتم، در نامه ای مسائلی را از وی پرسیدم، ولی مهمترین مسائل خود را فراموش کردم، امام پاسخ تمام مسائل را فرستاد و فرمود: «مهمترین مسائل خود را فراموش کردی»، من نیز امامت ایشان را قبول کردم.<sup>۸۸</sup>

۴-۲) تلاش ائمه علیهم السلام برای هدایت مدعیان دروغین مهدویت صرفاً برای کسانی اتربخش است که واقعاً از روی ناآگاهی و تحت تاثیر دیگر افراد منحرف، در امام زمان خویش دچار شک و تردید شده بودند، نه کسانی که آگاهانه و به خاطر اهداف مادی و دنیوی و جاه و مقام چنین ادعایی را مطرح کردند. کسانی هم بودند که حتی با دیدن کرامتی باز هم از ادعای دروغین خود دست برداشتند. البته برای چنین افرادی تکاپو و تلاش ائمه علیهم السلام اتمام حجتی است برای پذیرش حقیقت.<sup>۸۹</sup>

حسین مهران از جمله کسانی است که امام رضا (ع) در تلاش بودند از اعتقاد به وقف دست بردارد. امام رضا (ع) در این راستا در جواب او نامه ای نگاشتند. نزدیکان وی برای اینکه این نامه را پنهان نکنند و یا از بین نبرد نامه را استتساخته و سپس به حسین بن مهران رساندند.<sup>۹۰</sup>

## ۵- سازماندهی رفتار اجتماعی شیعیان در قبال ادعای دروغین

<sup>۸۷</sup> - عرفان، مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت، ص ۲۰۹

<sup>۸۸</sup> - صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۹

<sup>۸۹</sup> - عرفان، مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت، ص ۲۲۵

<sup>۹۰</sup> - کشی، اختیار المعرفه الرجال، ص ۴۰۵، ج ۷۶۰

رهبری و هدایت رفتاری جامعه در قبال ادعاهای دروغین جامعه بسیار مورد اهمیت است. یکی از مهمترین ویژگی‌های مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان دروغین به ساماندهی رفتار اجتماعی شیعیان در قبال ادعاهای دروغین مهدویت بر می‌گردد. با فزونی ادعاهایی آخرالزمانی عباسیان، امام صادق (ع) فعلا نه در صد کنترل و مهار این فضا برآمدند. واکنش امام صادق (ع) در برابر ادعای مهدویت محمد بن عبدالله محض و واکنش در برابر قیام او از این جمله است. امام صادق (ع) در راستای هدایت رفتاری شیعیان در قبال انتظارات ناظر به مهدی، از یاران خود خواست که عجله روا ندارد و تا هنگامی که اتفاق کلمه اهل بیت در مورد رهبر قیام را مشاهده نکرده اند، اقدام مسلحانه انجام ندهند، چنانکه در پاسخ ابان بن تغلب و ابوبکر حضرمی و بنی بر تعیین تکلیف اصحاب فرمود: «در خانه‌های خود بنشینید و هنگامی که مشاهده کردید ما بر روی شخصی اتفاق کردیم آنگاه با سلاح‌های خود به ما بپیوندید.»<sup>۹۱</sup>

## ۶- اعلام انزجار از مدعیان دروغین مهدویت و برخورد قاطع با آنان

تصمیم‌گیری آنگاه موثر و کارا خواهد بود که از درجه قاطعیت و ثبات لازم برخوردار باشد. در این زمینه هنگامی که همه زوایای یک مسئله از سوی ائمه علیهم السلام سنجیده شد و جوانب مختلف آن مورد بررسی دقیق قرار گرفت نسبت به اقدام قاطع تصمیمات لازم را در مواجهه با مدعیان دروغین اتخاذ می‌کردند. قاطعیت معقول و ثبات پس از بررسی جوانب مختلف مسئله مدعیان دروغین مهدویت در مواجهه امام رضا علیه السلام با واقفیه دیده می‌شود. در تحلیل این امر توجه به این نکته اساسی لازم است که شدیدترین برخورد ائمه در مواجهه با جریان‌های انحرافی در تقابل با جریان‌های انحرافی درون مذهبی بوده است.<sup>۹۲</sup> برای نمونه امام رضا (ع) وقتی از رفت و آمد یکی از یاران خود به نام محمد بن عاصم با واقفیه باخبر شد او را به شدت نهی کرد.<sup>۹۳</sup> روایات فراوانی به امام رضا علیه السلام منسوب است که در آنها عباراتی به کار رفته که ظاهر آنها تفکیر

<sup>۹۱</sup> - مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۷، ص ۱۳۳

<sup>۹۲</sup> - عرفان، مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت، ص ۲۳۳

<sup>۹۳</sup> - کشی، اختیار المعرفه الرجال، ج ۲، ص ۷۵۸

واقفیه است از این گونه روایات می توان به مواردی اشاره کنیم که واقفیه با عنوانی همچون زندافه<sup>۹۴</sup>، کفار<sup>۹۵</sup>، و مشرکان<sup>۹۶</sup> معرفی شده اند در برخی روایت منسوب به امام جواد علیه السلام و آنان بازیدیه و ناصبان مقایسه شده و در یک ردیف قرار داده شده اند.<sup>۹۷</sup>

امام زمان (عج) نیز در جواب نامه عده ای از شیعیان مدعیان دروغین مقام امامت و مهدویت را ظالم و کافر خوانده اند.<sup>۹۸</sup>

## نتیجه گیری

یکی از مشکلات موجود جامعه اسلامی که دارای پیشینه تاریخی است، ظهور مدعیان دروغین می باشد که به علت های دینی و زمینه انحراف مومنان را به وجود می آورند. شواهد روایی و تاریخی نشان می دهد، فعالیت های عمومی این افراد در دوره های مختلف دارای وجوه مشترک بوده است. برای مثال می توان به شباهت میان مدعیان دروغین عصر امامان معصوم علیهم السلام و عصر حاضر اشاره کرد.

معصومین علیه السلام با عملکردهای مختلف فرهنگی - اجتماعی به مقابله با این افراد پرداخته اند. مجموعه این عملکردها، گنجینه ارزشمندی را برای شناخت و تشخیص مدعیان دروغین و جلوگیری از انحراف در زمان حاضر را فراهم ساخته است. برای نمونه می توان با توجه به معیارهای تشخیص امام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبارشناسی مهدی موعود که در سخنان پیامبر اکرم صلوات الله علیه و امامان معصوم علیهم السلام مورد تاکید واقع شده به دروغین بودن ادعای مدعیان عصر حاضر از جمله یمانی و احمد الحسن رسید. از این رو در دو بعد فردی و اجتماعی مواردی برای مقابله با این انحراف پیشنهاد می شود که برخاسته از سیره معصومین علیه السلام است.

---

<sup>۹۴</sup> - همان، ص ۷۵۹

<sup>۹۵</sup> - همان

<sup>۹۶</sup> - همان، ص ۷۵۶

<sup>۹۷</sup> - همان، ص ۷۶۱

<sup>۹۸</sup> - طبرسی، الاحتجاج، ص ۲۷۷

## **بعد اجتماعی**

- ۱- نهادهای فرهنگی مانند حوزه های علمیه باید با ارائه سیر و سلوک عرفانی برخاسته از سیره معصومین علیهم السلام خلاء موجود در این زمینه را برطرف سازند .
- ۲- نهادهای مسئول ضمن رصد فعالیت‌های افراد و گروه‌ها در محیط‌های مذهبی مانند هیئت‌ها و تشکل‌ها باید مراقب ریشه‌های ایجاد انحرافات باشند و از ایجاد آن جلوگیری کنند.
- ۳- در صورت ظهور انحراف از تسامح و تساهل در برخورد با آن خودداری کنند در صورت لزوم باید از روش‌های بازدارنده مناسب در برخورد با این افراد استفاده گردد.

## **بعد فردی**

- ۱- شایسته است انسان مومن با مطالعه کتاب‌های کلامی با جایگاه حقیقی مقام امامت در نظام هستی آشنا شود تا از افتادن به گرداب انحراف جلوگیری کند.
- ۲- به ظاهر افراد و ادعاها توجه نکند و از ارتباط با افراد و جریان‌های مشکوک خودداری کند.
- ۳- باریشه اصلی ایجاد این سنخ انحراف که دنیا طلبی است و در وجود خویش مقابله کند .

## **پیشنهادها**

با آن که مسئله مدعیان دروغین یکی از معضلات مهم فرهنگی اجتماعی جامعه است و برای مقابله با آن تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است مقاله حاضر تنها فهرستی از عملکردهای \_ فرهنگی اجتماعی معصومین علیهم السلام را با این افراد بیان می‌کند . در این مقاله موضوع‌های جدیدی نمایان شد که تکمیل آن در گرو تحقیق مستقل پیرامون این موضوع ها است .

- ۱- ضوابط الگوپذیری از معصومین علیهم السلام در مسئله حاضر با توجه به تفاوت شرایط زمانی ، مکانی و موقعیتی میان ما و ایشان .
- ۲- بررسی و تحلیل کامل این افراد و گروه ها در عصر حاضر و شرح کامل دیدگاه ها و فعالیت های آنها .
- ۳- بررسی نقش عوامل خارجی در ایجاد انحراف های علمی و اعتقادی در جامعه شیعه .
- ۴- بررسی تاثیر اندیشه ها و فعالیت های این افراد در ایجاد تصور نا مناسب از جامعه شیعه در میان اهل سنت.

## منابع

- ۱- قران کریم
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان ، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۳- پور اکبر، الیاس، تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم ، قم: انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۸۹، ه.ش
- ۴- جوانشیر، موسی ، موعود در آیین اسلام و مسیحیت ، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۱ ه.ش
- ۵- جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه، فصلنامه علمی -پژوهشی تحقیقات کلامی، شماره ۶، انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه پاییز، ۱۳۹۳ ه.ش
- ۶- رضایی آدریانی ، محمد ، آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا(ص) ، ناشر مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۹۲ ه.ش
- ۷- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۹۳ ه.ش



- ۸- سلیمانیان ، خدامراد ، درسنامه مهدویت جلد ۱ ، قم : انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود ، چاپ سوم ، ۱۳۸۶ ه. ش
- ۹- شریفی ، محسن ، قیام های شیعه از سال ۶۵ تا ۲۵۰ ، قم : انتشارات زائر\_ آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) ، ۱۳۸۹ ه. ش
- ۱۰- طوسی ، محمد بن حسن ، الغیبه ، ترجمه : مجتبی عزیزی ، قم : انتشارات مسجد جمکران ، چاپ دوم ، ۱۳۸۷ ه. ش
- ۱۱- عرفان ، امیرحسین ، مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت : گونه شناسی ، سبک شناسی و شاخصه شناسی ، قم : انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود ، چاپ اول ، ۱۳۹۵ ه. ش
- ۱۲- قائدان ، اصغر ، نیم‌نگاهی به حج ، تهران : انتشارات نشر مشعر ، چاپ اول .
- ۱۳- محمدی اشتهاردی ، محمد ، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت ، قم : انتشارات مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۸۳ ه. ش
- ۱۴- مشکور ، محمد جواد ، فرهنگ فرق اسلامی ، قم : انتشارات آستان قدس رضوی ، بنیاد پژوهش های اسلامی چاپ ۳ ، ۱۳۷۵ ه. ش
- ۱۵- محمدی هوشیاری ، علی ، دکان های کاغذی جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت ، قم : انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چاپ اول ، ۱۳۹۶ ه. ش
- ۱۶- نصوری ، محمدرضا ، متمهدیان و مدعیان مهدویت نگاه تاریخی به دعاوی و نسبت های دروغین مهدویت ، مجله انتظارش ۸ و ۹ تابستان و پاییز ۱۳۸۲ ه. ش
- ۱۷- نهبانندی ، علی اکبر ، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان (ص) جلد ۳ ، قم : انتشارات مسجد جمکران ، چاپ دوم ، ۱۳۸۸ ه. ش
- ۱۸- هاشمی نوربخش ، حسین ، با کاروان شام ، تهران : انتشارات نشر ، چاپ اول ، ۱۳۸۹ ه. ش
- ۱۹- هاشم عمیدی ، ثامر ، حضرت مهدی منتظر در اندیشه اسلامی ، قم : انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چاپ اول ، ۱۳۸۰ ه. ش